

# پژوهشی در نشانه های سیاسی و مذهبی سکه های ساسانی

## مہتاب مبینی

دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشگاه الزهرا (س)،

تهران - ایران

## فرزام ابراهیم زاده

کارشناس ارشد باستان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ابهر،

ابهر - ایران

## چکیده

با توجه به خلالتی که در زمینه مطالعات سکه های ساسانی از نظر نشانه های سیاسی و مذهبی وجود دارد، مدارک و منابع موجود مورد بررسی قرار گرفت. این پژوهش محدود به زمانی (۶۵۲-۲۲۴ م.) را با نگرشی بر روی سکه های زرین و سیمین در برمی گیرد. با مطالعه بر روی ۱۸ سکه پی به وجود نشانه های سیاسی و مذهبی فراوانی می بریم.

نشانه های روی سکه های ساسانی در قالب نوشته ها و اشکال مختلفی همچون القاب شاهان، مروارید، تاج شاهان، آتشدان، آتش، ماه، خورشید و ایزدان اهورامزدا، آناهیتا و مهر نمایان می-شوند. این نشانه ها صرفاً برای بیان نمایش چهره و القاب شاهان نیست بلکه در پس این تصاویر ایدئولوژی حکومت شاهان بر جامعه و اجرای اهداف سیاسی آنها پنهان است. هدف از این پژوهش بررسی این نشانه ها با روش توصیفی - تحلیلی از نظر مفاهیم و ارتباط آن با ایدئولوژی شاهان برای رسیدن به اهداف سیاسی و مذهبی شان است. به عبارتی دیگر اندیشه سیاسی و مذهبی شاهان ساسانی در عرصه بازنمایی بصری ارزیابی می شود.

**کلید واژگان:** سکه، هنر ساسانی، شاهان، نشانه، اهورامزدا.

## مقدمه

سکه های ساسانی اسناد و مدارک گرانبهایی از تاریخ، فرهنگ، هنر و مذهب ایران بشمار می روند. همانطور که کتیبه ها و نقش برجسته های ساسانی بسیاری از مسائل سیاسی را مجسم می کنند، سکه ها هنر، سیاست و مذهب ساسانی را دقیق تر و کامل تر جلوه گر می سازند. از شهریاران ساسانی که بیش از چهار قرن حکومت داشتند، سکه های متنوعی بدست آمده است که بررسی نقوش آنها گویای تفکرات مذهبی و سیاسی شاهان ساسانی است. این تفکرات که مبنای ایدئولوژی حکومتی شاهان را تشکیل می دهند از لحاظ انعکاس فرهنگ و جامعه ساسانی بسیار حائز اهمیت می باشند از آنجا که عرصه هنر به عنوان مبنایی برای تجلی اندیشه حاکمان از ماندگارترین و اصیل ترین منابع تاریخی به شمار می آید، پژوهش بر مبنای سکه های ساسانی در صحنه نهادن یا رد کردن نظریات و اطلاعات مذهبی و سیاسی ساسانیان که از منابع دیگر و اسناد مکتوب بدست آمده، کمک شایانی می نماید. سکه های ساسانی از جمله اسناد و مدارک مهم و گرانبه های تاریخ ایران محسوب می شوند که با مطالعه بر روی آنها می توان به تاریخ ضرب سکه، نام شهرها، نمادهای دینی، علایم و تصاویر الهه ها و ایزدان و شعائر مقدس زرتشتی آشنا شد.

ساسانیان همواره در تماس مستقیم با همسایگان خود بودند که گاهی این تماسها دوستانه و مسالمت آمیز و زمانی خصمانه و شدید بوده است که در هر حال موجب مبادلات فرهنگی و اقتصادی ساسانیان می گردید. مطالعه در زمینه سکه های ساسانی در زیرمجموعه هنر ساسانی و گاه به شکل انفرادی و اغلب به صورت معرفی شاهان روی سکه و توصیف ظاهری آنها بوده است. در این پژوهش مفاهیم نهفته در نقوش و اشکال رو و پشت سکه که در جهت اهداف سیاسی و مذهبی شاهان ساسانی بوده است مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. هدف از این پژوهش بررسی این نشانه ها با روش توصیفی - تحلیلی از نظر مفاهیم و ارتباط آن با ایدئولوژی شاهان برای رسیدن به اهداف سیاسی و مذهبی شان است. به عبارتی دیگر اندیشه سیاسی و مذهبی شاهان ساسانی در عرصه بازنمایی بصری ارزیابی می شود.

## سکه‌های ساسانی

ضرب سکه‌های ساسانی از سال تاجگذاری اردشیر اول (۲۲۴م) آغاز شد و در سال (۶۵۲م) که دوره سقوط شاهنشاهی ساسانی است پایان یافت. (بیانی، ۱۳۵۲: ۳۱۸) سکه‌های شاهان ساسانی هر کدام به نقش خود آنها مزین بوده است. (سامی، ۱۳۴۲: ۲۰۴)

در میان سکه‌ها، سکه نقره از همه رایج تر بود. بیشترین ضرب مربوط به درهم نقره بود که وزنی حدود ۲۵/۴ گرم داشت. این گونه سکه را با همین وزن یکنواخت از زمان اردشیر یکم می‌یابیم گرچه نوع آن در زمان هر پادشاه فرق می‌کند. در روی سکه‌ها تصویر شاهنشاه با نام و لقب او نظیر «اردشیر شاهنشاه ایرن که چهر از ایزدان دارد» حک شده است. در پشت سکه‌ها آتشدانی گاه به تنهایی و گاه با دو خادم آتش دیده می‌شود. تا اواخر قرن پنجم میلادی محل ضرب سکه‌ها مشخص نمی‌شد از این رو اندازه‌گیری و سنجش تعداد ضرب مسکوکات در هر محل دشوار بود در حالی که بیش از یکصد علامت ضربخانه شناخته شده فقط حدود بیست ضربخانه در امپراطوری ساسانی برای ضرب سکه به کار رفته است. (gobl, 1983: p332) البته در مورد دوران آغارین حکومت ساسانی در چندین مکان متفاوت عمدتاً در فارس و پایتخت سکه ضرب می‌نمودند. (reider, 1996: pp 10-11)

بر روی سکه‌ها تصویر نیم تنه شاه در حالیکه به سمت راست می‌نگرد نقش گردیده است. هر شاه دارای تاج مخصوص به خود بوده، اما بعضی از شاهان مانند اردشیر، شاپور و پیروز دارای چند تاج مختلف بوده اند، گاه در سکه‌های ساسانی نقش شاهنشاه و جانشین او و یا تصویر سه گانه شاهنشاه، بانوی بانوان و جانشین شاهنشاه نقش می‌شد. (این ترکیب تنها ویژه سکه بهرام دوم است) در نوشته دایره‌ای شکل گرد سکه‌ها معمولاً نام و عنوان رسمی شاه نقر می‌گردید. (آورزمانی، ۱۳۶۷: ۲۷)

از دوره شاپور اول بر پشت سکه‌ها نام گذاری شهری که سکه در آن ضرب شده به صورت اختصار دیده می‌شود، از زمان پیروز اول ضرب سالهای سلطنت بر پشت سکه مرسوم گردید. (بیانی، ۱۳۵۲: ۳۱۸)

از روی این سکه‌ها می‌توان به اوضاع سیاسی و مذهبی ساسانیان پی برد که تا چه حدی اوستای ساسانی آیین مهر را مورد توجه قرار داده بود؛ تا چه اندازه آیین زرتشت با آیین مهر و سمبل آتش خورشید در این دوره به یکدیگر نزدیک گردیده است. (عباسیان، ۱۳۸۵: ۲۶۷)

در ذیل به بررسی انواع نشانه‌هایی که بر روی سکه‌های ساسانی آمده است می‌پردازیم:

### القاب پادشاهان

چون اردشیر یکم (۲۲۴ تا ۲۴۰ م.) بنیانگذار سلسله ساسانی بر اردوان پیروز شد و او را اهریمنی شمرد، به تغییر روش در امور سیاسی و اداری پرداخت و سکه جدید ضرب کرد با دو خصوصیت: در پشت سکه، به جای پادشاه کمان به دست اشکانی و برای تقویت مبانی دین زردشت، آتشدانی گذاشت (تصویر ۱)، و بر روی سکه و در حاشیه آن نوشته‌ای افزود که در بالا و سمت چپ، که با نام و لقب او شروع می‌شد و لقب وی: «سرور مزداپرست اردشیر شاهان شاه ایران که چهر از ایزدان دارد» بود. در جهت عکس حرکت عقربه‌های ساعت می‌چرخید و به عبارت «که چهر از ایزدان» در سمت راست ختم می‌شد (تصاویر ۲ و ۳). (سودآور، ۱۳۸۴: ۶۸)



تصویر ۱- پشت سکه اردشیر اول      تصویر ۲- سکه اردشیر اول      تصویر ۳- سکه شاپور اول

لقب «چهر از ایزدان» را نُه شاهنشاه ساسانی به طور پی در پی به کار برده‌اند. این لقب اشاره به این ادعای شاهنشاهان اوایل دوره ساسانی دارد که خود را از تبار ایزدی می‌دانستند و نیز پادشاهی‌شان را قدسی می‌شمردند، حال این پرسش پیش می‌آید که این لقب را از کجا کسب کرده بودند؟

اردشیر یکم و اولاد او را، قدسی تصور می‌کردند و این موضوع احتمالاً با دین زردشتی و منطقه پارس ارتباط داشته است. بابک (پدر اردشیر) و اردشیر یکم پادشاهان توانایی بودند و ارتباط نزدیکی با آتشکده‌های پارس داشتند. قاعدتاً آن‌ها را روحانی- پادشاهی می‌شمردند که به پرستش آنها می‌پردازند و چون این پرستش در فارس متمرکز بود، به صورت بخش مهمی از تبلیغات اوایل امپراطوری درآمد. اردشیر یکم با بهره‌گیری از این آیین دینی و

کسب قدرت از آن، به قدرت مطلق پادشاهی و روحانی در امپراطوری، یعنی به حاکمی به تمام معنی رسید. (دریایی، ۱۳۸۳: ۱۰-۱۱)

چنانکه از سکه‌های اردشیر اول معلوم می‌گردد، عنوان شاهی اردشیر دو بار تغییر یافت، عنوان اردشیر پیش از تاجگذاری «خدایگان اردشیر شاه، فرزند خدایگان بابک شاه» بود. پس از تاجگذاری (سال ۲۲۷ م.) عنوان دیگری را برگزید. بر رویه سکه‌ای که مراسم تاجگذاری اردشیر ضرب شده عنوان (بع [اهورا] مزدپرست، خدایگان اردشیر شاهان شاه ایران که چهر از ایزدان دارد) دیده می‌شود. عنوان تازه‌ای که اردشیر پس از تاجگذاری برگزید از عنوانهای شاهان دودمان پیشین به عاریت گرفته نشده است.

گمان می‌رود اصلاحات مذهبی مهمی صورت گرفته باشد که مایه دگرگونی عنوان شاهی گردید و در آن نشانه‌ای از یگانه‌آیین «شاهی» برای سراسر کشور مشهود است. در این زمان اردشیر نه تنها قدرت اداری و نظامی، بلکه امور مذهبی را نیز در دست خود داشت و با انتخاب لقب «چهر از ایزدان» در طلب مشروعیت حکومت و کسب قدرت سیاسی و دینی توأم بود. از این رو است که در فهرست درباریان او نامی از «موبدان موبد» دیده نمی‌شود.

اردشیر گذشته از تغییر عنوان بر رویه سکه‌های تاجگذاری، تصویر و نوشته پشت سکه‌ها را نیز دگرگون ساخت و از آن پس بر پشت سکه‌ها تصویر آتشدان با نوشته «آتش اردشیر» ضرب شد. بدین روال باید آتشدانی را که بر سکه‌های تاجگذاری اردشیر ضرب گردیده تصویری از آتشکده شاهی که مراسم تاجگذاری در آن صورت پذیرفته، دانست و نوشته آنرا نیز نام پرستشگاه شمرد. پیش روی ما باز هم نمونه‌ای از اصلاحات مهم دینی قرار گرفته که ویژگی و سجایای حکومت شاهنشاهان ایران را دگرگون ساخته است. پرستش‌اهورامزدا اندک اندک به یگانه‌آیین رسمی بدل گشت. اردشیر از زمان تاجگذاری بر عنوان خویش که پرستار پرستشگاه آناهیتا بود عنوان دیگری نیز افزود و آن پرستار آتشکده شاهی بود که بنام اهورامزدا بنیان یافته بود. (لوکونین، ۱۳۸۴: ۶۸ و ۷۱)

در روزگار سلطنت اردشیر دوم (۳۷۹ تا ۳۸۳ م.) لقب «چهر از ایزدان» از روی سکه‌ها حذف شد و این امر را معمولاً حاکی از تغییر در ایدئولوژی شاهنشاهی می‌دانند. تغییر در این لقب نه به توصیه شاهنشاه بلکه با پافشاری نهاد دینی صورت گرفت. از سال ۳۷۹ تا ۴۳۸ م. خاستگاه

پادشاهان ایران باستان را دینی ندانسته و هیچ یک از آن‌ها را از تبار ایزدی نشمرده‌اند. پادشاهان تنها وظیفه دنیوی پیدا کردند و صرفاً به صورت شاهان خوب زردشتی برای ایران جلوه‌گر شدند. دلیل حذف این لقب در واقع، ظهور کرتیر، موبد زرتشتی و مبارزه او در ساختار و سازمان سلسله مراتب روحانی دین زرتشتی بوده است. کتیبه کرتیر رشد قدرت او را از مقام هیربدی ساده تا موبد و موبد اورمزد و سرانجام در دوره پادشاهی بهرام دوم نگهبان آتشکده آناهیتا - اردشیر شد. از دلایل دیگر حذف عنوان «چهر از ایزدان» در سده چهارم میلادی، اصلاحات آذرباد مهراپندان روحانی مهم دیگر دین زردشت که تشکیلات و سلسله مراتب روحانی زردشتی را تقویت نمود و دست به تغییر القاب شاهنشاهان ساسانی زد.

همچنین باید توجه داشت که این دوره مقارن است با تهاجمات خارجی و از دست رفتن منزلت و مقام شاهان. این امر را می‌توان در از دست رفتن حاکمیت بر سرزمین‌های غیر ایرانی ملاحظه کرد. جالب توجه، حذف تدریجی القاب نخستین و حتی واژه ایران از نوشته‌های ساسانی است. این امر را می‌توان در نتیجه شکست در جنگ‌ها و تضعیف شاه شاهان در برابر همسایگان متخاصم دانست. (دریایی، ۱۳۸۳: ۱۱-۱۲)

القابی که شاهان برای خود برمی‌گزیدند گاه نمایانگر خدماتی بود که از جانب آنها به مردم ارائه می‌گردید برای نمونه بر روی بعضی از سکه‌های بهرام پنجم القاب او به صورت: «مزدایرست خدایگان بهرام شاهنشاه شاد کننده کشور» نقش گردیده است. (آورزمانی، ۲۴ (۸۷): ۱۰) بر پشت و روی اغلب سکه‌های ساسانی شعارهای مذهبی و یا کلماتی در بزرگداشت و تحسین پادشاه از قبیل راست (عادل)، افزود و افزون (فراوانی) پیروز و پیروزان (فاتح) دیده می‌شود؛ پیروزی شاهان در نبرد با دشمنان از عوامل مهم برای طلب مشروعیت حکومت شاه نزد مردم بشمار می‌رفت. (آورزمانی، ۲۴ (۴۳): ۲۷)

گاه القاب شاهان برای جلوه دادن برتری آنان از شاه پیشین بود. برای نمونه بر سکه وستهم نام او با عنوان پیروز (پیروچ) همراه است این شعار تا آن زمان از جانب هیچ فرمانروا و حکمرانی از ساسانیان در روی سکه‌ها دیده نشده؛ مسلماً به علت قیام و غلبه بر خسرو او لقب «وستهم پیروز» را برای خود برگزیده بود تا عملاً لقب خسرو یعنی «پرویز» را که به همان معنی است نفی نماید. (آورزمانی، ۲۵ (۵۶): ۱۵)

در زمینه ایدئولوژی شاهنشاهی می توان گفت شاهان اولیه ساسانی ضمن این که خود را از تبار ایزدان می دانستند، از القاب هخامنشی نیز، نظیر عنوان «شاهنشاه»، بر روی سکه ها و سنگنبشته هایشان استفاده می کردند. این میراث از قرن چهارم تا ششم میلادی، با پذیرش ایدئولوژی کیانی کنار گذاشته شد. (دریایی، ۱۳۸۳: ۵۱)

شاهان اولیه ساسانی علاوه بر القاب خاص، ملازمان ویژه خود را داشتند که شامل مشاور، روحانی، کاتب و تنی چند از سلحشوران یا اشراف می شد. (frye, 1986: p84)

ساسانیان لقب کی را نخستین بار در زمان شاپور دوم (۳۰۹ تا ۳۷۹ م.) به کار بردند. در زمان یزدگرد دوم (۴۳۹ تا ۴۵۷ م.) این لقب بر سکه ها نمایان شد. پادشاهان ساسانی این لقب را از زمان سلطنت یزدگرد مرتباً در سکه ها به کار می بردند. در روی سکه های یزدگرد می خوانیم: «مزدا پرست خدایگان کی یزدگرد». این امر نشانه دگرگونی مهمی در ایدئولوژی ساسانیان و نهادینه شدن اسطوره های کیانی و کیش زردشتی ساسانی است. در واقع نام ها و اسطوره های کیانی جزء مهمی از ایدئولوژی ساسانی گشته بود. (دریایی، ۱۳۸۲: ۳۴)

اما خسرو دوم (۵۹۰ تا ۶۲۸ م.) هر دو میراث ایدئولوژی هخامنشی و کیانی را پذیرفت و هم در روی سکه ها نام خود را با لقب «شاهنشاه» ضرب کرد و هم برای نخستین بار شعار «فره افزوده» را حک نمود. مفهوم «فر» در ایدئولوژی سلطنتی ایران باستان، چنان که در اوستا نیز آمده، نقشی محوری داشت و داشتن آن شرط لازم فرمانروایی بر جهان ایرانی محسوب می شد. (دریایی، ۱۳۸۳: ۵۱)

تمامی این مضامین در جدول شماره یک مورد ارزیابی قرار گرفته است.

### اهورامزدا

اندیشه پدید آوردن نقش اهورامزدا از راه تصویر های سمبولیک صورت پذیرفت. سکه ها کلیه مراحل پیدایش نقشها را در نظر مجسم می سازند. (لوکونین، ۱۳۸۴: ۶۸) به منظور تجسم بهتر مضمون «چهر از ایزدان»، ابتدا نیم تنه ای مقابل اردشیر اضافه شد که به احتمال پیکره ناهید بود، یعنی ایزد بانویی که مورد احترام خاندان ساسانیان بود و ایشان نسل اندر نسل، در شهر استخر پاسدار معبدش بودند. اما چون نقش نیم تنه های متقابل در کنار نوشته «که چهر از ایزدان» در یک طرف سکه، جنبه تکراری داشت، در سکه های شاپور اول، مقابله پیکره ها را از روی سکه حذف

کردند و به پشت آن انتقال دادند. در نتیجه در دو سوی آتشدان پشت سکه، پیکره پادشاه و ایزدی را که فر پادشاه از او بود قراردادند، و دستارهایی را که از مجمر سکه اردشیر در تصویر ۱ آویزان بودند، به این زوج شاه و خدا منتقل کردند (تصویر ۴).

و اما چون سکه در دست مردم عامی نیز گردش داشت، پیام سیاسی منقوش بر آن می بایست دقیق و ساده باشد. از این رو در بدو اعمال این تغییر، پیکره های پشت سکه کاملاً مشابه و تصویر عکس یکدیگر بودند. ولی بعد از مدتی، اختلافات جزئی در تاج و کلاه اینان راه یافت، و همچون سنگ نگاره ها، به جای اهورامزدا، ناهید نیز در برابر پادشاه قرار گرفت. (سودآور، ۱۳۸۴: ۶۸-۶۹) (تصویر ۵)

در زمان هخامنشیان که هنوز مضمون «که چهر از ایزدان» رایج نشده بود، نشان اهورامزدا آدمکی کوچک سوار بر گوی بالدار بود، ولی در دوره ساسانی، برای تجسم بهتر شعاری که رواج داده بودند، شکل و هیات ایزدان مشابه پادشاه شد (ولی قدری کوچک تر) تا فوری مشخص شود که پادشاه کیست و ایزد کدام است. (همان: ۸۷)



تصویر ۴- نقش شاه و ایزد متقابل پشت سکه شاپور اول تصویر ۵- پشت سکه بهرام دوم

## فرّه

ریشه شناسی فرّه برای مطالعه شمایل نگاری سکه های ساسانی به ویژه سکه های خسرو دوم مهم است. معروف ترین ریشه پذیرفته شده برای فرّه در زبان هندواروپایی آغازین به معنی «جوهر خورشید» است. بر پایه این تعبیر، فرّه در واقع همچون هاله با شکوهی گرد پادشاهان قابل مشاهده است.

درباره این که ساسانیان فرّه را به چه چیزی مانند می کردند، گواه مهمی از آن دوره در دست است. در کارنامه اردشیر بابکان که اثری افسانه ای درباره آغاز سلسله و پایه گذار آن است و در پایان این دوره نوشته شده، می بینیم که فرّه به خورشید مربوط است و از این رو نظریه هاله



گرداگرد شاه در سکه ها را تایید می کند. در این بند، بابک شبی در خواب می بیند که خانواده ساسانی فرّه مند می شوند.

در اوستا فرّه به سرزمین های آریایی و همچنین به کیانیان تعلق دارد، و به ویژه با «کی خسرو» ارتباط دارد و این، به سبب پیروزی او بر دشمنان است. ساسانیان تاریخ نگاری ای پدید آوردند که آن ها را در ردیف پادشاهان بر حق ایران یعنی پیشدادیان و کیانیان قرار می داد و هخامنشیان را به کلی نادیده می گرفت. کیانیان، به نوشته اوستا، پادشاهی اسطوره ای بودند که بر ایران فرمان رانده اند و ساسانیان در ادعای پادشاهی بر ایران، تبار خود را به آنان پیوند دادند. در این فرایند، تاریخ ملی به صورت نوعی تاریخ نگاری دینی زردشتی یا کیانی درآمد. (دریایی، ۱۳۸۲: ۳۴ و ۳۶)

در مورد نشانه های فرّه بر روی سکه ها می توان گفت حلقه متشکل از مروارید بر روی سکه های ساسانی باید نمادی از ایزدان آب و فر ایشان محسوب شود، زیرا مرواریدی که در قعر دریا، از رسوب املاح به دور یک نطفه مرکزی به وجود می آید و لولو درخشان می شود، به واسطه همان نطفه ای که در بر دارد، می تواند نمودار فری باشد که ایم نپات (خدای آبها) زیر دریا نگاه داشته بود، و به دلیل درخشندگی اش می تواند نمودار فری باشد که تجلی اش از مهر بود. پس حلقه مروارید از دو جهت فرّه افزون است. (سودآور، ۱۳۸۴: ۷۸-۷۹) به همین دلیل حلقه مروارید در جاهای گوناگون بویژه در سکه های ساسانی همچون هاله ای بر گرد سر شاه قرار گرفته است و تاکیدی مضاعف بر مشروعیت حکومت پادشاه دارد.

دو شکل سماوی، یعنی خورشید و ماه، که به کرات در سکه های ساسانی دیده می شوند در نظر اول نماینده نور روز و شب هستند و فر دائم. ثعالبی حکایتی دارد از بابک، پدر اردشیر ساسانی، که ماه و مهر را در خواب دید که بر پیشانی جدش، ساسان، درخشان شده بودند. با وجود این برای این دو شکل سماوی تعبیری دیگر هم ممکن است: که این دو، نشانه اختر و ماه هستند و نه خورشید و ماه. برای مثال بعضی از سنگ های بین النهرین که کودورو نام داشتند و برای تعیین مرز و بوم به کار می رفتند، سه نشان سماوی هلال، شمس ساده و شمس محدود به یک دایره داشتند. احتمالاً شمس محدود به دایره نماد خورشید و آن که بدون دایره است، نشانه یک ستاره است (احتمالاً ستاره تشر که در اوستا فرّه مند و درخشان شناخته شده و ملازم فرّه ایرانی است). به علاوه در متون صفوی، عَلم عثمانی ها را که هلال و شمس ای بر بالای آن بود

«اختر -مه» می خواندند و نه «مهر-مه» به هر حال خواه اختر مه باشد خواه مهر مه ، قدر مسلم این است که هر دوی آنها در نقوش ساسانی بسان علائم فر ظاهر می شدند. (همان: ۸۱-۸۲)

بر روی سکه خسرو دوم، دو حلقه دور نیم تنه وی، نشانه فرّه تابان یا هاله است. شکستگی در حلقه درونی در سکه احتمالاً اشاره به افزایش بیش تر فرّه اوست و این افزایش را با قراردادن نوشته ها و شمایل ها در کنار هم نشان داده اند.

خسرو دوم با نگاشتن فرّه بر سکه هایش، ادعای ساسانیان را مبنی بر این که دارندگان راستین فرّه و فرمانروایان بر حق ایران شهر هستند تقویت نمود. پیوستگی دو مفهوم فرّه و «وهرام» در سکه های خسرو دوم، نقشی عامدانه بود و نه صرفاً یک اصلاح تصویری که زاینده تمایل هنری باشد. (دریایی، ۱۳۸۲: ۳۷)



تصویر ۶- سکه خسرو دوم  
و طرح تاج وی با نشان ماه و ستاره

### آناهیتا

آناهیتا در روزگار نخستین شاهان ساسانی، ایزد دودمان ساسانی ، ایزد جنگ و پیروزی و ایزدی بود که به شاهنشاهان ایران چهر ایزدی می بخشید. (لوکونین، ۱۳۸۴: ۱۵۷) شباهت دادن همسر بهرام دوم به آناهیتا ایزد یشتهای کرتیر همه اینها پدیده های نوی بود که با کوششهای مذهبی و بویژه سیاسی کرتیر ارتباط داشت. (تصویر ۷) (همان: ۱۸۲) در پشت برخی سکه های بهرام دوم، ایزد آناهیتا حلقه قدرت را به پادشاه اعطا می کند این نشان می دهد بهرام دوم شهریاری خویش را مرهون ایزدان است. (تصویر ۸) در بعضی دیگر علامتی صلیب مانند با دو پای کوچک در دست دارد که نقش آن، در پشت این سکه ها هم به عنوان نشانه ای فرخ پدیدار شده است. با این حال در همه این سکه ها کلاه ایزد، شبیه کلاه همسر بهرام دوم است، و این دو رو به روی هم قرار دارند ، پس همسر بهرام نیز در اینجا به چهر ناهید است و فر این ایزد بانو ، علاوه بر شاه، شامل ملکه هم شده است. ( سودآور، ۱۳۸۴: ۸۸-۸۹)



تصویر ۸- پشت سکه بهرام دوم



تصویر ۷- سکه بهرام دوم

### مهر

مهر یکی از ایزدان کهن آریائی هاست و پرستش آن پیشینه بسیار درازی تا پیش از پیدایش آیین زردشت دارد. پس از پیدایش آئین زرتشت چون معنا و اساس این دین بر یکتاپرستی بود و اهورامزدا خدای بزرگ و قادر متعال دانسته شده، دیگر خدایان مورد احترام آریاهای ایرانی کارگزاران درجه یک اهورامزدا و از ایزدان عمده به شمار می رفت. (سامی، ۱۳۴۲: ۲۸۱) در سرود های مهریشت در اوستا، مهر محافظ روشن اندیشان است که دارای کردار، پندار و گفتاری نیک باشند. مهر از نظر آئین کشورداری نیز خدای جنگ محسوب می شد، زیرا که با داشتن دانش اهورایی که همان روشنی خرد بود می توانست بر همه پدیده های اهریمن پیروز گردد و با نیروی مهر انسان می توانست بر همه مشکلات که از تاریکی و تیره اندیشی خرد سرچشمه می گرفت، پیروز گردد. (عباسیان، ۱۳۸۵: ۲۸۱) به این ترتیب در زمان بهرام اول برای اولین بار هفت اشعه خورشید که نمایانگر خورشید تیز اسب باشد، طبق سرودهای اوستا، روی تاج و سکه های این پادشاه قرار داده شد. (تصویر ۹)



تصویر ۹- سکه بهرام اول

این سمبل های اجتماعی مربوط به دوره ساسانی همگی از اوستا ریشه گرفته بود که در پشت ها در این باره چنین سروده شده است: اشعه های مهر مثل هزاران نیزه تیز و برنده به همه جا نفوذ می کند و همه چیز را می بیند و از همه چیز نیز آگاهی کامل دارد. (همان: ۲۸۲)

روم با قبول و پذیرش آیین مهر و در نتیجه جلب توجه مردم در سرتاسر شهرهای زیر نفوذ امپراطوری نو بنیاد خود، وزنه نیرومندی برای شاهنشاهی ایران محسوب می شد.

از آنجا که مهر در امپراطوری روم این چنین گسترش یافته بود، لذا می بایست که در ایران نیز این ایزد قدیمی از یک محبوبیت بالاتری برخوردار شود، به همین جهت بود که کلاه سر محافظین آتش، برای احترام به آتش و جلب توجه بیشتر مردم شهرهای ایران نیز با اشعه های خورشید، شکل گرفت تا بدین وسیله نیروی همبستگی و وحدت مردم شهرها از یک سیاست مذهبی گسترده تری برخوردار گردد. (همانجا)

همانطور که از (تصویر ۱۰) از سکه بهرام دوم با ملکه مشاهده می شود، ایزد مهر در مقابل آنها در سمت راست سکه قرار گرفته است شاه و ملکه به سمت راست که ایزد مهر قرار دارد نگاه می کنند. «جهت راست، جهت خیر و نیکی و جایگاه بهشت و خدایان است» (شوالیه، ۱۳۸۲: ۳۶)

از کلاهی که ایزد مهر بر سر دارد می توان او را در شکل میترای اروپاییان شناسایی نمود و در سکه در حال اهدای حلقه شاهی به بهرام دوم پادشاه ساسانی می باشد. (عباسیان، ۱۳۸۵: ۲۸۴-۲۸۵)

و نیز به معنای نیرو گرفتن شاه از ایزد مهر که منشا نیکی و خیر است.



تصویر ۱۰- سکه بهرام دوم

### تاج شاهان

تاج یک کلمه فارسی و از ریشه ایرانی است و آن کلاهی است گوهر نشان که پادشاهان هنگام جلوس بر تخت سلطنت و یا در مراسم بار برسر نهند و صاحب آنرا «تاجدار» خوانند. (صفا، ۱۳۴۶: ۱۶۴) به نوشته «روبرت گویل» سکه شناس اتریشی، هر پادشاه ساسانی هنگامی تاج جدیدی بر می گزید که فره او به خطر افتد.

سکه های پیروز نیز از این قاعده مستثنی نیستند، بنابراین تغییر شکل تاج و تزئینات لباس او در سالهای آخر سلطنت به دلایل خاص سیاسی و اجتماعی صورت پذیرفته که باید علت آنرا در جنگ و مبارزات پیروز با قوم هپتال دانست. به جرات می توانیم بگوییم که او برای فراموش کردن خاطره تلخ شکست از ذهن خود و مردم اقدام به تاجگذاری مجددی نموده است. (آورزمانی، ۲۴ (۹ و ۱۰): ۱۶)

تاج نشانه ایزدان خورشیدی و قرص خورشیدی آنهاست. (کوپر، ۱۳۷۹: ۵۲) از طرفی میترا خدای پیمان را با خورشید مرتبط دانسته اند که بتدریج خورشید جایگزین وی گشته است. (کومن، ۱۳۸۰: ۲۷)

تاج جدید خسرو نیز، نشانه پیروزی او بر بهرام ششم و حقانیت سلطه او و خاندانش بر ایرانشهر بود. خسرو دوم با استفاده از این سکه ها تاکید داشت که تنها پادشاهان تحت پشتیبانی ایزدان می توانند فرّ و شکوه کیانی را نگه دارند.

این فرّ را ایزدان به فرمانروایان قانونی اعطا می کنند و چون این افتخار را غاصبی بگیرد وظیفه پادشاه قانونی است که آن را باز پس گیرد و به این ترتیب پادشاه قانونی می تواند حکومت کند.

تاج جدید خسرو دوم بر سکه های سال دوم، «وهرام» را به شکل آرمانی و با بال های پرنده- ای شکاری نشان می دهد (تصویر ۱۱) در تمام سنت ها بال به آسانی بدست نمی آید بلکه به قیمت تعلیمات باطنی و تزکیه نفس، بال نماد پیروزی است. این دو مفهوم به هم پیوسته اند و خسرو دوم از آن ها به عنوان نمادی تبلیغی در سکه های خود استفاده کرد که نشان دهنده باورهای این پادشاه به هنگام شکست بهرام چوبین در روزگار پادشاهی خویش است. (دریایی، ۱۳۸۲: ۳۸)



تصویر ۱۱- روی سکه خسرو دوم با تاج بالدار

## ولیعهدی

شاپور یکم، پسر اردشیر، تا سال ۲۴۰ میلادی نایب السلطنه بود. این نکته از سکه ها در زمان اردشیر پیداست که تصویر شاپور که نشانه های او کلاه ولایتعهدی که فاقد افسر شاهنشاهی است همراه با پدرش اردشیر بر روی سکه ها حک شده است که احتمالاً فرمان اردشیر بوده تا مسئله جانشینی بدون گرفتاری حل شود (تصویر ۱۲). علت این امر آن بود که او پسران دیگری نیز داشت که حکومت سایر ایالات را به ایشان سپرده بود و بیم آن می رفت که مانند خود او در جوانی چشم به تاج و تخت دوخته باشند. (دریابی، ۱۳۸۳: ۱۹) در مورد قباد شاه ساسانی اتفاقات گذشته به وی آموخته بود که تکیه بر مزدک جز زیان و آشفته گی پی آمدی در جامعه طبقاتی ساسانی به دنبال نخواهد داشت بنابراین تصمیمی گرفت خسرو پسر کوچکتر را که با آیین مزدک مخالف بود، جانشین خود کند علیرغم آنکه دو فرزند بزرگتر از خسرو داشت.

سکه جالبی از این دوره نشان می دهد (تصویر ۱۳) که قبلاً خسرو را در سلطنت سهیم و شریک نموده است. این نوع سکه بیشتر از جنس مفرغ بوده و به ندرت از نقره ضرب شده است. خسرو با آگاهی و زیرکی سکه را از جنس مفرغ انتخاب کرد تا به علت کمی ارزش مادی در دسترس همگان قرار گیرد و اذهان عمومی برای مسئله جانشینی آماده گردد.

در روی سکه تصویر قباد و پشت سکه تصویر خسرو و در مقابل تصویر خسرو نام او با لقب «شتری دار» به معنای «فرمانروای کشور» نوشته شده است که نشان از تفویض اختیارات وسیعی از طرف قباد به وی می باشند. (آورزمانی، ۲۵ (۲ و ۱): ۱۳)

پدید آمدن «تصویر های خانوادگی» بر سکه ها و آثار هنری تنها به دگرگونیهای مذهبی وابسته نبوده است. پیدایش این سکه ها نشانه ای از تثبیت امر جانشینی مستقیم شاهی از پدر به پسر در سکه های دولتی است. (لوکونین، ۱۳۸۴: ۱۸۲)



تصویر ۱۲- سکه اردشیر اول به همراه پسرش تصویر ۱۳- روی سکه قباد اول پشت سکه

پسرش

## نقش آتش

در گذشته، ایرانیان توجه زیادی به ارزش‌های مادی و آتش داشته و در این میان گرمی و روشنایی حاصل از آن را مظهر مهر و محبت و روشنی آن سرچشمه دانش و خرد اهورایی می‌دانستند و همواره شناخت و پرستش این پدیده را امری مهم می‌شماردند. در دوره ساسانیان که آیین زرتشت مذهب رسمی ایران گردید، آتش نیز به عنوان نماد اهورامزدا مورد احترام و پرستش بیشتری قرار گرفت. پادشاهان دوره ساسانی بخاطر ستایش و علاقه زیادی که به ایزد مهر داشتند، همواره خواستار این بودند تا آتش و فرشتگانی که مسئول نگهداری این فروغ ایزدی بودند، بر روی سکه‌هایی که به نام آنها ضرب می‌شد نیز نقش گیرد.

در پشت بعضی سکه‌های طلای خسرو دوم نیز، به جای مجمر همیشگی، «آتش» آن پادشاه به هیئت انسانی که شعله از سر و دوشش بالا می‌رود ظاهر شده است. (تصویر ۱۴). (سودآور، ۱۳۸۴: ۶۵)

سکه دیگری از شاپور اول موجود است که پاسداران آتش، خود دارای تاجی هستند که نمایانگر کنگره کاخ شاهی است. در واقع همان تاجی را پاسداران آتش بر سر دارند که خود شاپور به عنوان پادشاه بر سر نهاده است. (تصویر ۱۵)

پشت و روی بیشتر سکه‌های دوره اول پادشاهان ساسانی، تاج شاهنشاه و هم چنین تاج محافظین، هر دو با نماد آتش و خورشید و نشان کنگره از دیوارهای کاخ پادشاهان همراه می‌باشد. (عباسیان، ۱۳۸۵: ۲۷۵)

بر سکه‌های بلاش از شانۀ او شعله آتش زبانه می‌کشد که در آن عصر علامت دینداری و خوبی شخص بود بر عکس اگر به شانۀ و کتف کسی مار تصویر می‌شد این نشانۀ کفر و ستم کاری و ظلم بود. (آورزمانی، ۲۴ (۱۲ و ۱۱): ۷) شاهان ساسانی هر کدام به تخت سلطنت می‌نشستند آتشی می‌افروختند و آتشکده‌ای بر پا می‌داشتند که مبداء تاریخ قرار می‌گرفته است. (سامی، ۱۳۴۲: ۳۰۰) همچنین اغلب در حاشیه سکه‌های پادشاهان نخستین ساسانی تا یزدگرد دوم کلمه «آتش...» دیده می‌شود که اسم پادشاه صاحب سکه در دنباله کلمه آتش بجای مضاف الیه ضرب شده است. (همان: ۳۱۰)

از سکه‌های موجود مربوط به دوره ساسانی و به ویژه از بهرام اول و دوم می‌توان چنین نتیجه گرفت که آتش و خورشید، نماد اهورامزدا هر دو به یک اندازه مورد پرستش و احترام بوده-

اند. و همواره بر روی تاج و سکه های شاهان ساسانی نشان آتش و خورشید به عنوان نماد ایزدی که روشنی دهنده خرد انسان است جلوه گر می نمودند. (عباسیان، ۱۳۸۵: ۲۸۲-۲۸۳)



تصویر ۱۵- پشت و روی سکه شاپور اول

تصویر ۱۴- سکه طلای خسرو دوم

### نقش آتشدان

از زمان شاهپور اول بر پشت سکه ها تصویر آتشدانی دیده می شود در اواسط دوره ساسانی به بعد در طرفین آتشدان دو موبد زرتشتی تصویر گردیده است ندرتاً در پشت بعضی از سکه های شاپور دوم، اردشیر دوم، شاپور سوم، بهرام چهارم و یزدگرد اول نقش آتشکده استخر دیده می- شود، از آغاز تا روزگار پادشاهی هرمز دوم نقش پشت سکه های ساسانی یکسان و یکنواخت است اما در زمان او بر شعله های آتش آتشدان تصویری از سه ایزدان پدیدار می گردد (تصویر ۱۶) که این نقش کم و بیش تا زمان بلاش ادامه دارد. (آورزمانی، ۲۴(۳و۴): ۲۷) در سکه هایی که از پادشاهان ساسانی، اردشیر اول، شاپور اول و بهرام اول، بجای مانده است، همگی دارای نقش آتشدان است. (عباسیان، ۱۳۸۵: ۲۷۴) نقش آتشدان در دوران پس از زرتشت به حدی است که آن را سمبل مزدیسنا می شناختند.



تصویر ۱۶- پشت سکه هرمز دوم

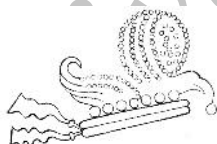


### نقش عقاب

همان طور که از (تصویر ۱۷) ملاحظه می شود، سکه هرمز دوم با نقش عقاب تنها نشانگر کاخ شاهنشاهی نیست، بلکه با تجسم عنوان نقش عقاب در روی سر این پادشاه، نشانگر قدرت نظامی در این دوره از تاریخ می باشد. (همان: ۲۷۶)

در ایران قدیم عقاب علم پادشاهی بود. (پوردادود، ۱۳۵۶: ۳۱۷) از دوره شهریار بهرام دوم به بعد تاج بیشتر شاهنشاهان از سر یا نیم تنه و یا بالهای عقاب تزیین یافته است. (بیانی، ۱۳۵۲: ۳۲۰)

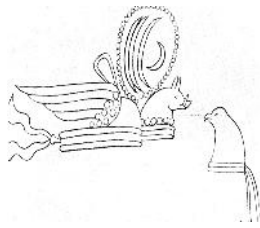
در سکه اردشیر یکم، کلاه وی تصویر عقابی دیده می شود که نوارهایی به گردش بسته اند. این نمونه در هنر هلنیستی بسیار معمول بود. چنانکه می دانیم تصویر عقاب که نوارهایی به گردش آویخته است از نشانه های سلوکیه، انطاکیه و حترا (الحضر) و یک رشته شهرهای خود مختار بود. ممکن است این سکه مدالی باشد که به پاس گشودن یکی از شهرهای نامبرده منتشر گردیده است. (لوکونین، ۱۳۸۴: ص ۶۵) تصویر عقاب بر سکه های اردشیر یکم مظهر آنتوخیا (انطاکیه) یا سلوکیه بوده است و انتشار سکه های نامبرده با تصرف و یا اندیشه تصرف سرزمین های غرب از سوی اردشیر ارتباط داشته . (همان: ۲۷۰-۲۷۱)



تصویر ۱۷- روی سکه هرمز دوم و طرح تاج شاه با نقش عقاب.

### تصاویر درندگان

تصاویر حیوانات درنده نخستین بار بر روی سکه های بهرام دوم دیده شده اند. (تصویر ۱۸) درندگان گوناگون بر کلاه بانوی بانوان و جانشین شاهنشاه نصب می شد. این نکته که سر این حیوانات وحشی را بر افسر شاهی نصب می کردند؛ نمودار آن است که تصویر های نامبرده از نشانه های ایزدی زرتشتیان بشمار می آمد. زمان پیدایش این تصویر ها دوران فعالیت های اصلاح طلبانه کرتیر بوده است. مجموعه تصویر های نامبرده در انواع گوناگون آثار ساسانی نیز تکرار شده اند.



تصویر ۱۸- سکه بهرام دوم و طرح تاج ملکه با نقش حیوان.

تا زمان کرتیر و شاهنشاهی بهرام دوم آثار هنری رسمی ساسانی فاقد این نمونه ها بودند. حتی در تصویر کامل افسر شاهی شاهنشاهان ساسانی تنها تصویر اهورامزدا (افسر شاپور یکم)، و شاید آناهیتا (افسر هرمز-اردشیر) و مهر (افسر بهرام یکم) یعنی مظاهر آن ایزدان انسان نما را که در گذشته از آنها یاد شده مشاهده می کنیم. تنها بهرام دوم بر افسر شاهی خود بالهایی نشانده که مظهر ورغن- ورثرغن، یکی از نخستین مظاهر تجسم فره ایزدی در شاهنشاه است. (لوکونین، ۱۳۸۴: ۱۵۵)

تصویر حیوانها که مظاهر ایزدی گوناگون بشمار می آمدند از آن پس به یکی از خطوط اصلی هنر ایران ساسانی بدل گشت. تصویر شناسی مذهبی، بسیاری از تصویهای نامبرده را دارای سوابقی بیش از هزار سال می شناسد.

بدین روال بهنگام شاهنشاهی بهرام دوم، از روزگار پیدایش نخستین مظهرهای حیوانها به گزینش آگاهانه ای از مجموع بازمانده آسیای مقدم برمی خوریم که نمونه های آن محدود است. این نمونه ها دیگر اهمیت مظهري كاملا معینی یافته بودند. از سگ بالدار، ورثرغن، تشری، میترا و افسانه های مربوط به «نخستین گاو» باستانی در «یشتها» کتاب مذهبی اساطیری که در مجموعه «اوستایی» بسیار روشن و متعلق به دوران بسیار باستان است یاد شده است. گمان می رود تنظیم متنهای مذهبی توسط کرتیر که بهنگام شاهنشاهی بهرام دوم صورت گرفته و بنام «درست دینی» اعلام شده بود ( و در واقع نخستین بار «اوستا» را بصورت احکام دینی در آورد) بمقتضای واقعیت می توانست در هنر ایران نیز منعکس شود.

تغییر و دگرگونی تدریجی در نمونه هایی که پیشتر از آن سخن رفت (مشروط بر آنکه هنر همه روزگار ساسانی در نظر گرفته شود) ممکن است نموداری از مرحله ها و دوره های معینی در این زمینه باشد که با پیشرفت و دگرگونی های آیین زرتشتی بستگی داشته است.

## نتیجه

تمامی نشانه‌های بکار رفته در سکه‌های ساسانی حاکی از ایدئولوژی شاهان در اداره حکومت و کسب مشروعیت برای آن است. در القاب شاهان می‌بینیم لقب چهار از ایزدان شاهان را برابر با ایزدان همچون اهورامزدا، مهر و اناهیتا قرار می‌دهد. شاهان در واقع بدین وسیله پیوند حکومتشان با دین را تثبیت کردند و مشروعیت فرمانروایی شان را در برابری با ایزدان کسب نمودند و در این زمینه هیئت ایزدانی چون اهورامزدا و اناهیتا را همانند خود بر پشت سکه‌ها قرار می‌دادند. نشانه‌ای دیگر چون آتشدان و آتش در پشت سکه‌ها و گاه در اطراف صورت شاه باز هم تأکیدی بر آیین مزدآپرستی و احترام به آتشگاه و تقدس و الوهیت شاهان دارد که از ایزد آذر(آتش) کسب می‌کنند. اما در دوره‌ای با حذف برخی از این القاب مواجه می‌شویم که پافشاری نهاد دینی و روحانیون در این امر دخیل است تا پادشاهان تنها وظیفه دنیوی داشته باشند و امور دینی منحصراً به آنها محول شود. گاه شکست در جنگ مساوی با حذف بخشی از القاب شاهان بر سکه‌ها بود و برعکس گاه با یک پیروزی فره شاه افزایش می‌یافت و آن را با اشکال نمادین بر سکه همچون افزایش دوایر مروارید مانند بر روی سکه و یا اشکال ماه و ستاره و یا تغییر شکل تاج شاه نشان می‌دادند.

شاهان ساسانی برای نشان دادن اعتقادات مذهبی شان بر سکه‌ها، تاج و گاه کلاه خود یا ملکه را به هیئت کلاه ایزدان و یا همراه با نمادهای ایزدان نشان می‌دادند. شاهان با به تصویر کشیدن رابط خود با ایزدان در سکه‌ها اسطوره شاه به عنوان نماینده خدا روی زمین را پایه‌گذاری می‌کردند و آن را حق طبیعی و مسلم خود می‌دانستند و بدین روی مردم نیز فراخی نعمت، آبادی شهر و کشور را از عدالت و دینداری شاه می‌دانستند و از این رو، اطاعت از شهریان وظیفه‌ای دینی تلقی می‌شد و مردم دین و شهرداری را روی واحد تلقی می‌نمودند و شاهان بزرگ ایران در دوره باستان همواره کوشیده‌اند که خود را پیشوایی برتر و حامی دینی نشان دهند و بسیاری از اقدامات خویش را بر اساس این اصل که شاه بزرگ مجری سیاست خدای بزرگ اهورامزدا است و میان مردم مشروعیت بخشیدند. همچنین شاهان در امور سیاسی برای تثبیت حکومت خود جانشین خویش را از طریق ضرب سکه و قرار دادن تصویر وی روبروی چهره شاه به مردم اطلاع می‌دادند. در واقع تمامی نوشته‌ها و نشانه‌های بر روی سکه‌ها تحت تاثیر اوضاع سیاسی و مذهبی ساسانیان و میزان قدرت شاهان در جامعه بود.

جدول شماره یک:

| القاب شاهان ساسانی |                  |  |  |
|--------------------|------------------|--|--|
| ردیف               | لقب              | مضمون  | هدف  |
| ۱                  | چهر ایزدان       | تبار ایزدی و تقدس شاهان                        | مشروعیت بخشیدن حکومت ثبت قدرت دینی و سیاسی |
| ۲                  | آتش .... نام شاه | پیوند شاه با آتش که نماد اهورا مزدا و مهر است  | علامت دین داری شاه و همسانی با ایزدان      |
| ۳                  | پیروز            | برتری از شاه پیشین                             | نشانه قدرت شاه پیروز                       |
| ۴                  | کی مزدا پرست     | نهادینه شدن اسطوره‌های کیانی و زرتشتی و ساسانی | نشانه نفوذ مذهبی در باورهای ساسانی         |
| ۵                  | شاهنشاه          | قدرت   | علامت عظمت فرمانروا                        |
| ۶                  | فره افزوده       | نقش محوری داشتن پادشاه                         | علامت لازم فرمانروایی بر جهان ایرانی       |
| ۷                  | شاد کننده کشور   | قدرت شاه در اداره کشور                         | نشانه اهمیت شاه برای جامعه                 |

جدول شماره دو:

| نشانه های سیاسی و مذهبی سکه های ساسانی |                |                                   |                                |                                      |
|--|----------------|-----------------------------------|--------------------------------|--------------------------------------|
| ردیف                                   | انواع نقش      | نقش                               | مضمون                          | هدف                                  |
| ۱                                      | اهورامزدا      | انسانی به هیئت شاه                | نشانه های مذهبی                | همسانی قدرت شاه با اهورامزدا         |
| ۲                                      | فرّه           | ماه، خورشید، ستاره، مروارید       | جوهر خورشید                    | نمادی از ایزدان                      |
| ۳                                      | آناهیتا        | الهه ای همراه شاه                 | نماد صلیب و حلقه قدرت          | حامی پادشاه و برابری قدرت شاه و الهه |
| ۴                                      | مهر            | ایزد مهر                          | خیر و نیکی                     | نیرو گرفتن شاه از ایزدمهر            |
| ۵                                      | تاج شاهان      | کلاهی با نقوش سماوی و یال حیوانات | سلطنت ایزدان خورشیدی           | پیروزی شاه                           |
| ۶                                      | ولیعهدی        | فرزند شاه                         | ولیعهد                         | نمایش جانشین شاه                     |
| ۷                                      | نقش آتش        | شعله بر دوش پادشاه و آتشدان       | نماد اهورامزدا و علامت دینداری | حامی فروغ ایزدمهر و پادشاه           |
| ۸                                      | نقش آتشدان     | آتشدان پایه دار                   | سمبل مزدیسنا                   | جایگاه ایزدان و شاه نگهبان ایزدان    |
| ۹                                      | نقش عقاب       | سر عقاب بر تاج پادشاه             | قدرت نظامی                     | توان شاه در تصرف و کشور گشایی        |
| ۱۰                                     | تصاویر پرندگان | دور تاج شاه و ملکه                | نشانه های ایزدی زرتشتیان       | تجسم فرّه ایزدی برای پادشاه          |

### منابع و مآخذ

- ۱- آورزمانی، فریدون، (۸-۱۳۶۷)، بررسی سکه های ساسانی، " فروهر"، سال ۲۴ و ۲۵.
- ۲- بیانی، ملکزاده (۱۳۵۲)، سکه های ساسانی "همایش تاریخ و فرهنگ ایران"، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و هنر.
- ۳- پور داوود، ابراهیم (۱۳۵۶) "یشتها"، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- ۴- دریایی، تورج (۱۳۸۲) "تاریخ و فرهنگ ساسانی"، تهران: انتشارات ققنوس.
- ۵- ----- (۱۳۸۳)، "شاهنشاهی ساسانی"، ترجمه: مرتضی ثاقب فر، تهران: انتشارات ققنوس.
- ۶- سامی، علی (۱۳۴۲)، "تمدن ساسانی"، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۷- سودآور، ابوعلی (۱۳۸۴)، "فره ایزدی در آیین پادشاهی ایران"، تهران: نشر نی.
- ۸- شوالیه، ژان، گریبان (۱۳۸۲)، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضایی، تهران: نشر جیحون.
- ۹- عباسیان، احمد (۱۳۸۵)، "فلسفه و آیین زرتشت"، تهران: نشر ثالث.
- ۱۰- صفا، ذبیح الله (۱۳۴۶)، "آیین شاهنشاهی ایران"، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۱- لوکونین، ولادیمیر گریگوریویچ (۱۳۸۴)، "تمدن ایران ساسانی"، ترجمه: عنایت الله رضا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۲- کوپر، جی می (۱۳۷۹)، "فرهنگ مصور نمادهای سستی"، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران: نشر فرشاد.
- ۱۳- کومن، فرانتس (۱۳۸۰) "آیین پررمز و راز میتراپی (اسرار آیین میترا)"، ترجمه هاشم رضی، تهران: نشر بهجت.

14. C. Reider, (1996) Legend variations of the coins of Ardeshir the Great, oriental Numismatic Society, No 147.

15. R. Gobl, (1983) Sasanian Numismatics, The Cambridge History of Iran. Ed. E. Yarshater. Vol 3(2).

16. R. N. Frye (1986) The Persepolis Middle Persian Inscriptions from the time of Shapur II, Acta orientalia. Vol xxx.